



## قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه جلوه‌گاه فرهنگ هر قوم و هر ملت

افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه بخشی از ادبیات عامیانه هستند که از آرزوها و تخیلات و باورهای مردم شکل می‌گیرند و به همین جهت جلوه‌گاه فرهنگ هر قوم و ملتی هستند. با بررسی قصه‌ها می‌توان به سنت‌ها و آداب و رسوم و آئین‌های هر قوم و نیز باورهای اسطوره‌ای انسان از دوره‌های آغازین پی برد؛ اسطوره‌هایی که به نوعی تفسیر انسان از هستی خود هستند و تلاشی برای شناخت خود و خدای خود.

دامنه‌ی قصه‌های عامیانه ایرانی بسیار گسترده است و این قصه‌ها در طی قرن‌ها به صورت شفاهی نقل و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده تا بدین نحو حافظ هویت قومی و فرهنگی خود باشند. از زمان مشروطیت برخی به فکر افتادند که این قصه‌ها و افسانه‌ها را گردآوری کنند. «در ایران گردآوری ادبیات عامه بیش از یک قرن بعد از اروپا اتفاق افتاد و مسلماً

کسانی آغاز کردند که با اروپا در تماس بودند. محمد مهدی واصف رضا جویی در سال ۱۳۲۵ مجموعه قصه‌های ازوپ را در کتاب «حکایات دلپسند» ارائه کرد و سپس «علم الدوله خلیل ثقفی» «میرزا محمد حسین خان فروغی»، «صادق هدایت»، «کوهی کرمانی»، «صبحی مهتدی» و «انجوی شیرازی» قافله سالاران این عرصه بودند. (۱)

با ورود صنعت چاپ به ایران اولین کتاب‌های عامیانه که زیر چاپ رفت داستان‌های امیر ارسلان نامدار، هزار و یکشب، شیرویه، ملک‌ناز، نوش آفرین‌نامه و چهار درویش بود.

«قصه» در لغت به معنی حکایت و سرگذشت است و به آثاری اطلاق می‌شود که در آن‌ها تأکید بر رویدادهای خارق‌العاده بیشتر از تحول آدم‌ها و شخصیت‌هاست. در قصه یا حکایت، محور ماجرا بر رویدادهای خلق‌الساعه قرار دارد.

قصه‌های عامیانه، از نظر مضمون و محتوا، انواع گوناگونی دارند. برخی از آن‌ها جنبه پهلوانی و سلحشوری و حماسی دارند. مانند «سمک عیار» و «اسکندرنامه»، برخی از آن‌ها اشاراتی به اساطیر دارند، مانند «داراب‌نامه طروسی» و در برخی دیگر جنبه سرگرم‌کنندگی بیشتر است، مانند «هزار و یک شب» و «طوطی‌نامه».

دکتر محمدجعفر محجوب، قصه‌های عامیانه را به هشت گروه تقسیم‌بندی کرده است. نثر قصه‌های عامیانه، ساده و ابتدایی است و زبان آن‌ها به گفتار و محاوره عامه مردم نزدیک است و در واقع پر از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه است. قصه‌ها گاه کوتاه و گاه بلند روایت می‌شوند.

قصه‌های بلند عامیانه را می‌توان در سه گروه کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱- گروه نخست قصه‌های بلند عامیانه، دارای زمینه و بن‌مایه‌ای عشقی و عاطفی و عدالت‌خواهانه‌اند. مانند کتاب‌های «سمک عیار»، «داراب‌نامه» یا «فیروزنامه» بیغمی.

۲- گروه دوم دارای زمینه دینی و مذهبی و بن‌مایه عقیدتی هستند. مانند «اسکندرنامه‌ها»، «رموز حمزه» یا «امیر حمزه»، «ابومسلم‌نامه» و «حسین‌کرد»

۳- گروه سوم قصه‌هایی هستند با زمینه و بن‌مایه متنوع که به شیوه و روال ساختاری «هزار و یک شب» آفریده شده‌اند. (۲)

قصه‌های ایرانی یکی از کهنترین نمونه‌های اصیل تفکر و تخیل مردم این سرزمین و نشان‌دهنده کیفیت و مباحث ذهنی و شادی و اندوه این قوم به‌شمار می‌آید. مردم این مرز و بوم، از روزگاران بسیار دور پندارها، باورها، افکار، آرزوها و تجربه‌های خود را در قالب قصه ریخته و به آن شکل داده‌اند که به زیبایی به دست ما رسیده است و ما نیز در حفظ آن‌ها باید بکوشیم.

۱- دکتر محجوب ۲- جمال میرصادقی؛ قصه، داستان کوتاه، رمان؛ تهران، آگاه؛